

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سَلَامٌهُ قِيَامٌ وَآخِرَتٌ ۲



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى
نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى أَهْلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ أَمَّا بَعْدُ:

دوستانم: در درس گذشته ذکر تعدادی از اسبابی که از نوع اول هستند و باعث ماندگاری ابدی در آتش می شود را ذکر کردیم و حال در این درس به کمک الله تعالیٰ تعدادی از اسباب نوع دوم که انجام دهنده آن مستحق آتش بدون ماندگاری ابدی در آن است را ذکر خواهیم کرد.

سبب اول: نافرمانی والدین که شامل پدر و مادر

هي گردد و نافرمانی آنها جزو نوع دوم از سببهای داخل شدن در آتش است که به سبب قطع کردن آنچه برای آنها از نیکی، صله رحم و بدی در حق آنها با زبان یا اعمل باشد، حاصل می گردد. الله تعالیٰ می فرماید: ﴿ وَقَضَى
رِبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدِينِ إِحْسَنًا إِمَّا يَتَّغَنَّ

عِنْدَكُمُ الْكِبَرُ أَحْدُهُمَا أَوْ كِلَّاهُمَا فَلَا تُقْلِلُهُمَا أَفَ وَلَا
تَهْرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَيْرِيمًا ﴾ وَأَخْفَضْ لَهُمَا
جَنَاحَ الْذَلْلِ مِنَ الْرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
صَغِيرًا ﴽ (اسراء 23-24) و پروردگار تو مقرر کرد

که جز او را نپرسنید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آنها یا هر دو در کنار تو به سن پیری رسیدند به آنها اوฟ مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو. از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگار آنها را رحمت کن چنانکه مرا در بچگی

پروردند» و می فرماید: ﴿أَنِ اَشْكُرْ لِي وَلِوَالِدِيَّكَ إِلَيَّ
الْمَصِيرُ﴾ (لقمان 14) «شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت به سوی من است» و پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ مُدْمَنُ
الْخَمْرِ وَالْعَاقُّ وَالْدَّيْوُثُ الَّذِي يُقْرُرُ فِي أَهْلِهِ
الْخَبَث﴾ (رواه احمد و النسائي) «سهه دسته هستند که خداوند بهشت را بر آنها حرام کرده است: ۱. کسی که همیشه مست است ۲. نافرمانی پدر و مادر ۳. دیوث کسی که زنا را در اهلش می بیند و سکوت می کند».

سبب دوم: قطع صله رحم است. یعنی مرد

خویشاوندی اش را قطع کند و این کار مانع می شود که شخص حقوق بدنی یا مالی که بر او واجب است را بدهد. در صحیحین از جبیر بن مطعم روایت است که

پیامبر ﷺ فرمودند: ﴿لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعُ﴾ «قطع کننده داخل بهشت نمی شود». سفیان می گوید: منظور قطع صله رحم است. و در صحیحین همچنین از

ابوهریره ﷺ روایت است که پیامبر ﷺ فرموند: ﴿قَاتَتِ
الرَّحْمُ فَقَاتَتْ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ مِنَ الْقُطْبِيَّةِ
قَالَ نَعَمْ أَمَا تَرْضِيْنَ أَنْ أَصْلِ مَنْ وَصَلَّكَ وَأَقْطَعَ
مِنْ قَطْعَكَ قَالَتْ بَلَى قَالَ فَذَاكَ لَكِ ثُمَّ قَالَ
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْرَءُوا إِنْ

شَيْتُمْ﴾ ﴿فَهَلْ عَسِيْتُمْ إِنْ تَوَلَّتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنْهُمُ اللّٰهُ فَأَصْمَمَهُمْ
وَأَعْمَى أَبْصَرَهُمْ ﴽ (محمد 22-23) (رحم برخاست

الله سبحانه و تعالى می فرماید: **﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الْرِبَاً لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الظُّلْمُ يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَنُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَاتُلُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهَ الْبَيْعَ وَهُرَمَ الْرِبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَأَنْتَهَى فَلَمْ يَمْلِمْ مَا سَأَفَ وَأَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِيلُونَ﴾** (بقره 275) کسانی که ربا می خورند از گورهایشان جز مانند کسی که شیطان بر اثر تماس او را آشفته کرده برنمی خیزید. این بدان سبب است که آنان گفتند: معامله صرفًا مانند ریاست و حال آنکه خداوند داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر کس اندرزی از جانب پروردگار به او رسد باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خداوند واگذار می شود و کسانی که بازگردند آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.

سبب چهارم: خوردن مال یتیم چه مذکور یا مؤنث باشد و از او کلاهبرداری کند. الله تعالى می فرماید: **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ تَارًا وَسَيَضْلُوْنَ سَعِيرًا﴾** (کسانی که اموال یتیم را به ناحق می خورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند). (نساء 10)

و یتیم کسی است که پدرش قبل رسیدن او به سن بلوغ فوت کرده باشد.

و آنها با من قطع رابطه می کنند به آنها نیکی می کنم و آنها به من بدی می کنند با آنها برباری می کنم و آنها با من جاهلانه رفتار می کنند. پس پیامبر ﷺ فرمودند: **«لَئِنْ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَانَمَا تُسْفِهُمُ الْأَمْلَ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَى ذَلِكَ»** «اگر چنان باشی که می گویی، مثل اینکه خاکستر داغ را به ایشان می خورانی و تا زمانی که همینطور باشی خداوند تو را بر آنها یاری خواهد دارد». (رواه مسلم) هنگامی که او صله رحم را بجا می آورد و آنها با او قطع رابطه می کنند برای او عاقبت و سرانجام پسندیده است و آنها بر می گردند پس با او پیوند برقرار می کنند همانگونه که او با آنها پیوند برقرار کرده است همانا خداوند برای آنها خیری را می خواهد.

و گفت: این مقام پناه برند به تو از قطع صله رحم است. خداوند فرمود: بله. آیا راضی نمی شوی کسی که تو را رعایت کرده من هم او را رعایت نمایم و کسی که تو را ترک کرده من هم او را ترک نمایم؟ گفت: بلی فرمود: پس برای تو محقق است. سپس رسول الله ﷺ فرمود اگر خواستید این آیه را رقائیت نمایید: «آیا امید بستید که چون برگشتید در زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید؟ اینها همان کسانی هستند که خداوند آنها را لعنت کرده و گوشهاشان را کر و چشمانشان را کور کرده است». (۲)

با کمال تأسف امروزه بسیاری از مسلمانان از حق والدین و صله ارحام غفلت کرده و این طناب را به جای اینکه وصل نمایند قطع کرده‌اند و دلیل بعضی از آنها این است که نزدیکانشان آن را وصل نمی کنند. و این دلیل به آنها نفعی نمی رساند اگر تا کسی آن را وصل نکند او نیز آن را وصل نکند آن صله برای الله تعالى نمی باشد بلکه آن تنها جبران کردن است همانگونه که در صحیح بخاری از عبدالله بن عمرو بن عاصی روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: **«لِمَسَ الْوَالِصِلُ بِالْمُكَافِنِ، وَلَكِنِ الْوَالِصِلُ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحْمُهُ وَصَلَهَا»**

کننده واقعی پیوند خویشاوندی، کسی نیست که بخطاطر جبران رابطه ای که خویشاوندیش با او دارند، صله رحیمی کند. بلکه کسی است که اگر دیگران با او قطع رابطه کنند، او رابطه برقرار نماید». از ابوهریره رض روایت است که مردی گفت ای رسول خدا من خویشاوندانی دارم که با آنها رابطه برقرار می کنم

سبب نهم: خیانت به زیردستان و عدم خیر خواهی برای آنها آنکام که تصرفی را میکند که به مصلحت آنها نیست و کارش از روی مصلحت نهی باشد: معقل بن یسار رض روایت می کند که گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمودند: «**مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهُ اللَّهُ رَعِيَّةً يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌ لِرَعِيَّتِهِ إِلَّا حَرَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ**» (متفق علیه) «هیچ بنده ای نیست که خداوند او را به عنوان مسئول رعیش برگزیده او و می میرد در حالیکه او بر رعیت خود خیانت ورزیده مگر اینکه خداوند بهشت را بر او حرام می سازد». و این شامل رعایت مرد در خانواده اش، سلطان در سلطنتش و دیگران در کارهایشان می شود. ابن عمر رض می گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمودند: «**كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ الْأَمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَالخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ قَالَ وَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ**» (متفق علیه) (همه شما مسئول هستید و نسبت به زیردستان و چیزی که بر آن تسلط دارید مسئولیت دارید. حاکمی که بر مردم حکومت میکند حافظ و نگهبان آنان است و مسئولیت مردمانی را که تحت حکومت او هستند به عهده دارد و هر انسانی بر خانواده خود نگهبان است و مسئولیت آنان را بر عهده دارد و هر زنی بر مال شوهرش و اولاد شوهرش حافظ و نگهبان است و مسئولیت آنها را به عهده دارد، هر خدمتگزاری نگهبان مال اربابش می

اقطع مال أخْيَه بِيمِينِ فَاجِرَهُ فَلَيَتَبَوَّأْ مقعَدَه من النَّارِ لِبِيلُغَ شاهدَكُمْ غائبَكُمْ (مرتَّبَنَ أو ثلَاثَةً) (أحمد و حاكم) «هر کس مال برادرش را با سوگند دروغ قطع کند پس نشیمنگاهش را در آتش آماده کرده است. شاهدان به غایبان برسانند». برای این غموس نامیده شده چون سوگند خورنده را به وسیله آن در گناه سپس در آتش فرو می برد. و فرقی بین کسی که سوگند دروغ می خورد بر آنچه ادعا می کند و به نفع او حکم می شود با کسی که به دروغ سوگند می خورد بر آنچه آن را انکار می کند پس حکم به برائت او می شود، وجود ندارد.

سبب هشتم: قضاؤت و داوری بین مردم بدون علم یا با ستم و به ناحق: بریده بن حصیب رض از پیامبر ﷺ روایت می کند که فرمودند: «**الْقُضَاءُ ثَنَاثَةٌ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ وَاثْنَانِ فِي النَّارِ فَمَآمَّا الَّذِي فِي الْجَنَّةِ فَرِجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَقُضِيَ بِهِ وَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَجَارٌ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ قَضَى لِلنَّاسِ عَلَى جَهْلٍ فَهُوَ فِي النَّارِ**» (أبو داود) (قضات سه دسته هستند یک دسته در بهشت و دو دسته در آتش می باشند. اما کسی که در بهشت است مردی است که حق را می شناسد و به آن قضاؤت می کند و مردی که حق را می شناسد پس در حکم ظلم می کند و از حق منحرف می شود او در آتش است و مردی که برای مردم از روی جهل قضاؤت می نماید نیز در آتش است).

سبب پنجم: شهادت دادن به ناحق: از ابن عمر رض روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَنْ تَزُولَ قَدْمُ شاهدِ الزُّورِ حَتَّى يُوجَبَ اللَّهُ لِهِ النَّارِ**» (شاهد زور هیچ قدمی برنمی دارد تا اینکه خداوند آتش را بر او واجب می کند) (رواه ابن ماجه و حاکم) و شاهد زور یعنی اینکه به آنچه نمی داند یا به آنچه می داند ولی خلاف واقع شهادت دهد، گفته می شود زیرا شهادت دادن جز به آنچه شاهد به آن علم دارد، جایز نیست. و در حدیث آمده که پیامبر ﷺ به مردی گفت: «**تَرَى الشَّمْسَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ عَلَى مُثْلِهَا فَاشْهَدْ أَوْ دَعْ**» «خورشید را می بینی؟ گفت: بله. فرمود: به مانند آن شهادت بده یا آن را ترک کن».

سبب ششم: رشوه در حکم: از عبدالله بن عمر رض وایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «**الراشِي والمرتشِي فِي النَّارِ**» (رشوه دهنده و رشوه گیرنده در آتش هستند). (طبرانی) در النهاية می گوید: رشوه دهنده کسی است که چیزی می بخشد و می داند که بر باطل است و رشوه گیرنده آن را می گیرد. اما کسی که چیزی را برای گرفتن حق یا دفع ظلم می بخشد در این تعریف قرار نمی گیرد.

سبب هفتم: سوگند غموس: از حارث بن مالک رض روایت است که گفت: از پیامبر در حج در فاصله بین دو جمرة دو یا سه بار شنیدم که فرمود: «**مَنْ**

شما را با کسانی که خداوند بر آنها از مردان و زنان مؤمن نعمت داده است، محشور گرداند.

**اللَّهُمَّ ثِبَّنَا عَلَى الْحَقِّ وَتُوفِّنَا عَلَيْهِ وَاغْفِرْ لَنَا
وَلِوَالِدِينَا وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمِ
الراحِمِينَ. وَصَلِّ اللَّهُ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.**

تألیف: شیخ ابن عثیمین رحمه الله

سبب یازدهم: در صحیحین از حارثه بن وهب ثابت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ
كُلُّ عَذَّلٌ جَوَاظٌ مُسْتَكِبٌ» «آیا شما را از اهل آتش باخبر نسازم. هر انسان سرکش و بخیل و متکبر است». العتل یعنی بسیار سرکشی که برای حق و خلق نرم نمی شود و الجواظ بسیار تنگ نظر بخیل که بسیار جمع می کند و به هیچ وجه نمی بخشد و المستکبر کسی است که حق را رد می کند و برای خلق تواضع و فروتنی ندارد او خودش را بالاتر از مردم می بیند و رأی خود را از حق صواب تر می داند.

سبب دوازدهم: بکار بردن ظروفی از طلا و نقره در خوردن و آشامیدن برای مردان و زنان. در صحیحین از ام سلمه رضی الله عنها روایت است که پیامبر ﷺ میرماید: «الَّذِي يَشْرَبُ فِي آئِيَةِ الْفُضَّةِ إِنَّمَا يُجْرِرُ فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ» «کسی که در ظرف نقره آب بنوشد آتش جهنم را در شکم خود قرار می دهد» و در روایت مسلم آمده: «أَنَّ الَّذِي يَأْكُلُ أَوْ يَشْرَبُ فِي آئِيَةِ الْفُضَّةِ وَالْذَّهَبِ إِنَّمَا يُجْرِرُ فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ» «کسی که در ظرف طلا و نقره می خورد و می آشامد آتش جهنم را در شکم خود قرار داده است».

پس دوستان من از اسباب داخل شدن در آتش پرهیز کنید و اعمالی را انجام دهید که شما را از آن دور کند تا در آخرت رستگار شوید و بدانید که دنیا کالای بی ارزشی است که سریع تمام و نابود می شود و از پروردگار تان ثبات و پایداری بر حق را تا زمان مردن درخواست کنید و

باشد و در مقابل آن مسئول است، بنابراین همه شما نگهبان یکدیگر و در مقابل همدیگر مسئول هستید».

سبب دهم: به تصویر کشیدن آنچه در آن انسان یا جانداری باشد. از ابن عباس رض روایت است که گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمودند: «كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يَجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَهِ صَوْرَهَا نَفْسًا فَتَعْذِبُهُ فِي جَهَنَّمَ» (مسلم) «هر تصویرگر در آتش است و در برابر هر صورتی که کشیده صورتی برایش ساخته شده پس او را در جهنم عذاب می دهد» و در روایت بخاری آمده: «مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فِي آنَّ اللَّهَ مُعَذِّبُهُ حَتَّى يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ وَلَيْسَ بِنَافِعٍ فِيهَا أَبَدًا» «هر کس تصویری

بکشد خداوند او را عذاب میدهد تا اینکه در آن روح بدند در حالیکه هرگز توان آن را ندارد». اما تصویر درختان و نباتات و میوه ها و چیزهای دیگر از آنچه خداوند آن را خلق می کند از اجسام آفریده بر قول جمهور علماء اشکالی ندارد. و از ایشان کسی که از آن منع می کند به دلیل آنچه است که در صحیح بخاری از ابوهریره رض روایت است که گفت از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: الله عزوجل می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مَمْنُ ذَهَبَ يَخْلُقُ كَخْلُقَنِي فَلَيَخْلُقُوا حَبَّةً، وَلَيَخْلُقُوا ذَرَّةً وَلَيَخْلُقُوا شَعِيرَةً» «چه کسی ستمکارتر از فردی است که تلاش میکند تا مانند آفرینش من بیافریند. پس دانه ای و یا مورچه ای و یا دانه ای جو بیافریند».